



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته:

زبان و ادبیات فارسی

عنوان پژوهش:

بررسی و تحلیل سبک و مضامین رباعیات شاعران مشهور

معاصر از سال (۵۷ تا ۶۸)

با تاکید بر سه شاعر: قیصر امین پور، منصور اوجی و حسن حسینی

استاد راهنما:

آقای دکتر تقی پور نامداریان

استاد مشاور:

خانم دکتر سهیلا صارمی

نگارش:

حکیمه نوابی

تاریخ دفاع:

۱۳۸۵

## چکیده

در طول عمر هزار ساله شعر فارسی از رودکی تا عصر حاضر شاعران بسیاری در قالب کوتاه و موجز رباعی طبع آزمایی کرده اند. در این پایان نامه ابتدا به صورت احتمالی ویژگیهای رباعی و سیر سرایش آن از رودکی (قرن ۴) تا نیریز یا تأکید بر رباعی سرایان بزرگ از نظر مضمون و اقبال شاعران به آن در دوره های گوناگون بررسی شده است. پس از آن از دوره نیمه یوشیج تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) و از انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی (۱۳۶۸) مورد بحث قرار گرفته است. سپس زندگی و شعر سه رباعی سرای مشهور: قیصر امین پور، منصور اوجی و حسن حسینی از نظر مضمون و سبک به صورت ویژه بررسی و با یکدیگر مقایسه شده است.

کلید واژه ها: رباعی، سبک، مضمون، قیصر امین پور، منصور اوجی، حسن حسینی.

## ی‌شگفتار

نوشتاری که با عنوان «بررسی و تحلیل سبک و مضامین رباعیات شاعران مشهور معاصر از سال ۵۷ تا ۶۸» با تأکید بر سه شاعر: قیصر امین پور، منصور اوجی و حسن حسینی از نظر خوانندگان می‌گذرد، پژوهشی است دربارهٔ تبیین اندیشه‌های این سه شاعر معاصر و بررسی سبک و مضامین آنها در این قالب.

یقیناً از ورود به بحث جای دارد در اینجا ملاک و معیارهایی که برای گزینش «شاعر مشهور» از میان شاعران رباعی سرا، تعیین شده است، بیان شود: نخست تعداد کتاب‌های چاپ شده از شاعر و تعداد نسخه‌های آن و نیز تجدید چاپ آنها، دیگری تعداد رباعی‌ها و فصل‌نقدم شاعر بر دیگران. با این ملاک‌ها پنج شاعر برگزیده شده که پس از مدتی به علت حجم وسیع کار به سه شاعر کاهش یافت.

از مشکلات این کار در دسترس نبودن منابع بود که برای رفع این مشکل به کتابخانه‌های پژوهشگاه علوم انسانی، حوزه هنری، ملی و باهنر مراجعه کردم. پس از بررسی حجم کثیری از کتاب‌های شاعران معاصر و یادداشت برداری از رباعیات آنها به انتخاب شاعر مشهور پرداختم.

پژوهش حاضر در سه فصل عنوان بندی شده است. فصل نخست «نگاهی به رباعی و سیر آن در ایران تا زمان نیا» نام دارد. در این فصل تلاش شده است رباعی، پیشینه آن، انواع رباعی و وزن آن بررسی شود و پس از آن به معرفی اجمالی شاعران رباعی سرای بزرگ از زمان رودکی

تأنیما و سیر تحول مضمون و نیز اقبال و رویکرد مردم به این قالب و یا دوری از آن پرداخته شده است.

فصل دوم «سیر رباعی و رباعی سرایان از زمان نیما تا انقلاب اسلامی و پس از آن تا سال ۶۸ با تأکید بر سه شاعر: قیصر امین پور، منصور اوجی و حسن حبیبی» نام دارد.

در این فصل ابتدا سیر رباعی و رباعی سرایان مشهور از زمان نیما تا انقلاب اسلامی و پس از آن سیر اجمالی تحول رباعی با ذکر نام شاعران و تعداد رباعی های آنها از سال (۵۷ تا ۶۸) داده شده است. سپس زندگی و رباعی های سه شاعر قیصر امین پور، منصور اوجی و حسن حبیبی به صورت ویژه بررسی شده است.

در این قسمت به طبقه بندی مضامین و درون مایه های شعری هر شاعر پرداخته ام و برای نخستین بار آوردن سبک آنها الگوی اصلی کار را بر کتاب سفر در مه تأملی بر شعر احمد شاملو نوشته دکتر پورنامداریان قرار داده ام. با توجه به این کتاب ابتدا صور خیال، پس از آن زبان و سپس موسیقی شعر و در آخر جنبه های بلاغی هر شاعر بررسی شده است. در ضمن شماره صفحه هر رباعی زیر آن داخل پرانتز ذکر گردیده.

در فصل آخر، که در واقع نتیجه گیری است، رباعی های این سه شاعر از نظر مضمون و سبک با هم مقایسه شده است.

در نتیجه این بررسی ها متوجه شدم که دو گروه از شاعران در این دوره به سردن رباعی روی آورده اند. گروهی که در اکثریت بودند که به آنان شاعران دفاع مقدس می گویند. ایشان

درباره جنگ و برای جنگ و انقلاب و کسانی که در تحقق و تداوم این انقلاب نقش داشتند شعر می سرودند؛ گروه دوم که در اقلیت بودند و به این مضامین نمی پرداختند بلکه به مضامین آزاد چون عشق و عاشقانه ها، می پرداختند.

حسن حبیبی و قیصر امین پور از گروه اولند و منصور اوجی از گروه دوم. زبان در رباعیات هر سه شاعر ساده و روان و نزدیک به زبان امروز است.

در پایان این گفتار بر خود واجب می دانم از استاد دشمنم آقای دکتر پورنامداریان که رحمت راهنمایی این کار بر عهده ایشان بود و نیز استاد عزیزم دکتر صرمی که مشاوره مرا بر عهده داشتند تشکر کنم.

همچنین باید مراتب قدردانی خود را از ریاست محترم پژوهشگاه آقای دکتر گلشنی و نیز آقای دکتر رادفر مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی اعلام دارم. همچنین سپاسگزارم از آقایان دکتر امین پور و دکتر اوجی و نیز دوست عزیز و استادم خانم دکتر مریم شریف نسب. نیز باید صمیمانه و خالصانه از پدر و مادرم قدردانی کنم که همیشه و در همه حال و در تمام مراحل زندگی یار و یاور و پشتیبان من بوده اند.

چکیده

پیشگفتار

فصل اول: رباعی و نگاه‌های به سیر آن در ایران تا زمان نیما

|    |       |   |
|----|-------|---|
| ۱  | ..... | مقدمه   |
| ۱  | ..... | رباعی چیست؟                                   |
| ۱  | ..... | تعریف رباعی                                   |
| ۱  | ..... | وزن رباعی                                     |
| ۴  | ..... | پیشینه رباعی                                  |
| ۷  | ..... | نام‌های رباعی                                 |
| ۷  | ..... | انواع رباعی                                   |
| ۱۱ | ..... | قافیه در رباعی                                |
| ۱۱ | ..... | رباعیت مشع یا سرگردان                         |
| ۱۲ | ..... | رباعی و رباعی سرایان مشهور گذشته تا زمان نیما |
| ۱۲ | ..... | رودکی   |
| ۱۲ | ..... | فرخی  |
| ۱۲ | ..... | ابوسعبد ابو‌حیر                               |
| ۱۳ | ..... | خواجده عبدالله انصاری                         |
| ۱۳ | ..... | سوجیتری                                       |

فہرست مطالب

صفحہ

عنوان

|    |                 |
|----|-----------------|
| ۱۴ | سنائی           |
| ۱۵ | مہستی گنجوی     |
| ۱۵ | خاقانی          |
| ۱۵ | خیام            |
| ۱۶ | عطار            |
| ۱۷ | مولوی           |
| ۱۸ | ابن یسین        |
| ۱۸ | قاسم انوار      |
| ۱۹ | نعمت اللہ ولی   |
| ۱۹ | حافی            |
| ۱۹ | وحشی            |
| ۲۰ | عرفی            |
| ۲۰ | لسانی           |
| ۲۱ | سحابی استرآبادی |
| ۲۱ | نظیری نیشاپوری  |
| ۲۲ | عالمی آملی      |
| ۲۲ | بیدل دہلوی      |
| ۲۲ | حزین لاهیجی     |

|    |                                 |
|----|---------------------------------|
| ۲۳ | عاشق اصفهانی                    |
| ۲۳ | صباحی بیدگلی                    |
| ۲۳ | ادیب الممالک قراهانی            |
| ۲۴ | ابوالقاسم لاهوتی                |
| ۲۴ | نیما یوشیج                      |
| ۲۵ | سیر رباعی از رودکی تا دوره نیما |

فصل دوم: بررسی سیر رباعی از زمان نیما تا انقلاب اسلامی و بعد از آن تا سال ۶۸  
با تأکید بر سه شاعر مشهور رباعی سرای بعد از انقلاب: قیصر امین پور، منصور اوجی و

#### حسن حسینی

|    |  |
|----|--|
| ۲۸ | سیر رباعی و رباعی سرایان از زمان نیما تا انقلاب اسلامی |
| ۲۹ | سیر رباعی و رباعی سرایان از انقلاب تا سال ۶۸           |
| ۳۲ | قیصر امین پور  |
| ۳۲ | اشاره‌ای به احوال و آثار                               |
| ۳۲ | نگاهی کلی به رباعیات قیصر امین پور                     |
| ۳۵ | طبیقة بندی بر اساس نغمون و درونمایه                    |
| ۵۷ | صور خیال   |
| ۵۹ | تشبیه  |
| ۶۸ | استعاره  |



## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

|     |       |                                 |
|-----|-------|---------------------------------|
| ۷۱  | ..... | رمز                             |
| ۷۲  | ..... | تشخیص                           |
| ۷۸  | ..... | کنایه                           |
| ۸۱  | ..... | موسیقی و شعر                    |
| ۸۱  | ..... | موسیقی بیرونی                   |
| ۸۴  | ..... | موسیقی کناری                    |
| ۸۸  | ..... | موسیقی درونی                    |
| ۹۶  | ..... | زبان                            |
| ۹۷  | ..... | ویژگی وازگان                    |
| ۹۹  | ..... | ویژگیهای قدمت رباعی             |
| ۱۰۳ | ..... | ویژگیهای فعل                    |
| ۱۰۶ | ..... | دیگر ویژگیهای زبان              |
| ۱۰۹ | ..... | جنبه‌های بلاغی                  |
| ۱۰۹ | ..... | تقدیم و تأخیر                   |
| ۱۱۱ | ..... | تکرار و حذف                     |
| ۱۱۳ | ..... | منصور اوجی                      |
| ۱۱۳ | ..... | اشاره‌ای به احوال و آثار        |
| ۱۱۳ | ..... | نگاهی کلی به رباعیات منصور اوجی |

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

|     |                                |
|-----|--------------------------------|
| ۱۱۶ | طبقه‌بندی براساس مضمون و خروجه |
| ۱۳۴ | صور خیال                       |
| ۱۳۵ | تشبیه                          |
| ۱۴۲ | استعاره                        |
| ۱۴۴ | تخصیص                          |
| ۱۴۹ | کنایه                          |
| ۱۵۱ | موسیقی و شعر                   |
| ۱۵۲ | موسیقی بیرونی                  |
| ۱۵۲ | موسیقی گارتی                   |
| ۱۵۴ | موسیقی درونی                   |
| ۱۵۷ | زبان                           |
| ۱۵۷ | ویژگی‌های واژگان               |
| ۱۶۰ | ویژگیهای قدمت زبانی            |
| ۱۶۳ | ویژگیهای فعل                   |
| ۱۶۴ | دیگر ویژگیهای زبان             |
| ۱۶۶ | جنبه‌های بلاغی                 |
| ۱۶۶ | تقدیم و تأخیر                  |
| ۱۶۸ | تکرار و حذف                    |

|          |  |
|----------|--|
| ۱۷۰..... | حسن حسینی                              |
| ۱۷۰..... | اشاره‌ای به احوال و آثار.....          |
| ۱۷۰..... | نگاهی کلی به رباعیات حسن حسینی.....    |
| ۱۷۱..... | طبقه‌بندی براساس مضمون و درونمایه..... |
| ۱۹۹..... | صور خیال                               |
| ۱۹۹..... | تثیبه.....                             |
| ۲۰۹..... | استعاره.....                           |
| ۲۱۲..... | ریز.....                               |
| ۲۱۴..... | کنایه.....                             |
| ۲۱۷..... | موسیقی و شعر                           |
| ۲۱۷..... | موسیقی بیرونی.....                     |
| ۲۱۸..... | موسیقی کناری.....                      |
| ۲۲۰..... | موسیقی درونی.....                      |
| ۲۲۴..... | زبان                                   |
| ۲۲۴..... | ویژگی‌های واژگان.....                  |
| ۲۲۸..... | ویژگی‌های قدمت زبانی.....              |
| ۲۳۲..... | ویژگی‌های فعل.....                     |
| ۲۳۴..... | دیگر ویژگی‌های زبان.....               |

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان              |
|------|--------------------|
| ۲۳۸  | جنبه‌های بلاغی     |
| ۲۳۸  | تقدیم و تأخیر      |
| ۲۴۰  | تکرار و حذف        |
|      | فصل سوم: نتیجه     |
| ۲۴۲  | نتیجه              |
| ۲۴۷  | فهرست منابع و مآخذ |

## فصل اول

### مقدمه

در این فصل ابتدا به تعریف رباعی پرداخته می شود و سپس پیشینه ای از رباعی و پس از آن رباعی سرایان مشهور تا دوره نیما و بعد از آن تا سال پنجاه و شش ذکر می شود.

### رباعی چیست؟

**تعریف رباعی:** "رباعی در لغت به معنی آنچه که از چهار جزء تشکیل شده و چهارتائی است و در اصطلاح شعر فارسی، شکل خاصی از دوبیتی است."<sup>۱</sup> "رباعی یا چهارگانی که آن را ترانه نیز می گویند، یکی از قالب های شعر سنتی فارسی است که از چهار مصراع درست شده است. در رباعی، قافیه در هر دو مصراع اول و همچنین مصراع چهارم رعایت می شود اما در مصراع سوم رعایت آن الزامی نیست. مصراع های رباعی از نظر معنی و مضمون به هم پیوسته اند و مضمون و معنی اصلی در بیت دوم و به خصوص در مصراع چهارم ارائه می شود و این اصل در تمام رباعی های استادانه، رعایت شده است. مضمون رباعی ها متنوع است و در زمینه های مختلف عاشقانه، عارفانه، فلسفی و پند و اندرز سروده شده است."<sup>۲</sup>

**وزن رباعی:** رباعی دارای بیست و چهار وزن است که دوازده وزن آن از شجره اخرب و دوازده وزن دیگر آن از شجره اخرم است. همه این وزن ها با یک وزن "لا حول و لا قوه الا بالله" که همان

---

<sup>۱</sup> - سیما داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، (تهران: مروارید، ۱۳۷۸)، ص ۱۴۲

<sup>۲</sup> - میمنت میرصادقی، واژه نامه هنر شاعری، (تهران: مهناز، ۱۳۷۶)، ص ۱۰۷

"مفعول مفاعیل مفاعیلن فع" است، قابل تطبیق می باشد. "از نظر وزن رباعی مرکب از دوازده هجاست که تا هجای دهم دو هجای بلند و دو هجای کوتاه متناوباً در پی هم واقع می شوند و هجاهای یازدهم و دوازدهم بلند می باشد تا با وزن "لا حول و لا قوه الا بالله" یکسان درآیند."<sup>۱</sup>

بهترین توضیح از اوزان و زحافات رباعی از امام حسن قطان در *المعجم فی معابیر اشعار عجم* نوشته شمس قیس رازی آمده است. وی می گوید که وزن رباعی برخاسته از دو شجره اخرم و اخرب است و پس از آن همراه با توضیح مبسوطی آن دو شجره را ترسیم می کند. اگر به دو شجره با دقت نگریسته شود، دیگر احتیاجی به توضیح باقی نمی ماند. این دو شجره نیز به همان شیوه و عیناً اینجا آورده می شود.

---

<sup>۱</sup> - سیماداد، پیشین



**پیشینه رباعی:** گروهی برآنند که رباعی منشاء ایرانی دارد و گروهی نیز گویند که ندارد. سیروس شمیسا در کتاب *سیر رباعی* در شعر فارسی، ویرایش دوم، با استفاده از کتاب *الدوبیت* نظر گروه دوم را مطرح و پس از آن آنرا رد می کند.

وی در همین کتاب آراء گروه اول را با ذکر دلایل تاریخی صحیح می داند. دلایل تاریخی شمیسا، همان حکایاتی است که در *المعجم* و پس از آن به گونه ای دیگر در *تذکره دولتشاه سمرقندی* آمده است. ذکر این حکایات در اینجا خالی از لطف نیست.

در *المعجم فی معابیر اشعار عجم* نوشته شمس قیس رازی این گونه آمده است: "و یکی از متقدمان شعراء عجم و بندارم رودکی والله اعلم از نوع اخرم و اخرب این بحر {هزج} وزنی تخریح کرده است کی آنرا وزن رباعی خوانند و الحق وزنی مقبول و شعری مستلذ و مطبوعست و از این جهت اغلب نفوس نفیس را بدان رغبتست و بیشتر اطباع سلیم را بدان میل و کویند سبب استخراج این وزن آن بوده است کی روزی از ایام اعیاد بر سبیل تماشا در بعض از متنزهات غزنین برمی کشت و بهر نوع از اجناس مردم برمی گذشت و طایفه ای اهل طبع را دید کرد ملعبه جمعی کوزکان ایستاده و دیده بنظاره کوز بازی کوزکی نهاده از آنجا کی شطارت جوانان شاعر و بطالت شاعران شاطر باشد قدم در نهاد و سر به میان ایشان برآورد کوزکی دید ده یانزده ساله با زلف و عارضی چون سنبل بیرامن لاله .... و در کوز بازی اسجاع متوازن و متوازی می گفت، ... تا یکباری در انداختن کردگانی از کوزکوز بیرون افتاد و بقهقری هم به جایگاه بازغلطید کوزک از سر ذکای طبع و صفای قریحت گفت:

غلطان غلطان همی رود تا بن کو

شاعر را این کلمات وزنی مقبول و نظمی مطبوع آمد به قوانین عروض مراجعت کرد و آنرا از مفترعات بحر هزج بیرون آورد و به واسطه آن کوزک برین شعر شعور یافت... او در نظم هر قطعه بر



دو بیت اقتصار کرد بیتی مصرع و بیتی مقفی و به حکم آنک منشد و ... بانی آن وزن کوزکی بود نیک موزون و دلبر و جوانی سخت تازه و تر آنرا ترانه نام نهاد.<sup>۱</sup>

حکایتی نیز شبیه آنچه نقل شد در تذکره دولت‌شاه سمرقندی آمده است که از لحاظ نام مخترع آن و نیز محل به وقوع پیوستن آن با حکایت المعجم فرق دارد:

«حکایت کنند که یعقوب بن لیث صفار ... پسری داشت کوچک و او را به غایت دوست می داشت. روز عید آن کودک با کودکان دیگر جوز می باخت. امیر به سر کوی رسید و به تماشای فرزند ساعتی بایستاد. فرزندش جوز بینداخت و هفت جوز به گو افتاد و یکی بیرون جست. امیرزاده ناامید شد. پس از لمحہ یی آن جوز نیز بر سبیل رجع القهقری به جانب گو غلطان شد. امیرزاده مسرور گشت و از غایت ابتهاج بر زبانش گذشت که: غلطان غلطان همی رود تا لب گو.

امیر یعقوب را این کلام به مذاق خوش آمد. ندما و حکما را حاضر گردانیدند و گفتند که این از جنس شعر است و روا بود. ابودلف عجلی و وهب بن الکعب به اتفاق به تحقیق و تقطیع مشغول شدند، این مصراع را نوعی از بحر هزج یافتند. مصراعی دیگر به تقطیع موافق آن بر این مصراع افزودند و یک بیت دیگر موافق آن ضم کردند و دو بیتی نام کردند و چند گاه دو بیتی می گفتند تا فضلا لفظ دو بیتی را نیکو ندیدند، گفتند که این چهار مصراعی است رباعی نیز می شاید گفتن.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - شمس قیس رازی، المعجم فی معاییر اشعار عجم، [تصحیح] علامه قزوینی، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۸)، صص

۸۸ و ۸۹

<sup>۲</sup> - سیروس شمیسا، سیر رباعی در شعر فارسی، (تهران: آشتیانی، ۱۳۶۳)، صص ۲۴ و ۲۵

آیا یعقوب لیث که بر سرودن شعر به فارسی اصرار می ورزد اجازه می دهد که نام فارسی دو بیته<sup>۳</sup> را تبدیل به نام عربی رباعی کنند؟

**نتیجه:** از نام مخترع رباعی که بگذریم از این دو حکایت باید نکاتی را برداشت کرد:

۱- طبق این روایات، رباعی اصلی ایرانی دارد و برخاسته از میان مردم است. و به قول امین ریاحی در مقدمه *نزهه المجالس*: "رباعی مردمی ترین و همگانی ترین نوع شعر در ایران است."<sup>۴</sup>

۲- نام رباعی را در حکایت اول ترانه و در حکایت دوم دو بیت و پس از آن رباعی گویند نکته جالب اینکه در هر دو رباعی برای نام رباعی، وجه تسمیه ذکر می گردد و البته در متون قدیم به هر سه نام برمی خوریم.

۳- رودکی که پدر شعر فارسی است از نخستین کسانی است که به سرودن رباعی پرداخته است.

اما در اینجا باید نظر گروه دوم را که اختراع رباعی را غیر ایرانی می دانند بررسی کرد. شمیسا در کتاب *سیر رباعی خود بیان می کند که بوزانی، متشرق معاصر عقیده دارد که رباعی اختراع ایرانی ها نیست بلکه واضح آن ترکها هستند. مایر مستشرق آلمانی نیز آنرا در اصل شعری ترکی یا چینی می داند. صاحب کتاب *الدوبیت* یعنی دکتر کامل مصطفی*

---

<sup>۳</sup> - دکتر محمد پارسی گامکار در کتاب رباعی و رباعی سرایان از آغاز تا قرن هشتم هجری، صص ۴۹ - ۵۲، ثابت می کند که واژه بیت پارسی است نه تازی

<sup>۴</sup> - جمال خلیل شروانی، *نزهه المجالس*، به تصحیح محمد/امین ریاحی، (تهران: زوار، ۱۳۶۶)، ص ۳۱

الشیبی، نیز آنرا شعری عربی می داند و یکی از دلایل او این است که اعراب به آن الدوبیت

می گویند.<sup>۵</sup>

**نام‌های رباعی:** در آثار قدما به رباعی؛ دوبیتی، ترانه و البته رباعی گویند. به قول شمس قیس در

المعجم فرق رباعی و ترانه در آن است که اگر بتوان سروده را با آواز و الحان خواند ترانه است که

اگر به فارسی سروده شده باشد به آن غزل و اگر به عربی باشد به آن قول گویند و اگر نتوان آنرا با

آواز خواند به آن رباعی می گفتند. البته گاه به آن بیت نیز می گفتند. اما کم کم تمام این نامها و

تقسیم بندی ها فراموش شد و نام رباعی بر این قالب باقی ماند.

**انواع رباعی:** این چهار مصرع کوتاه انواعی نیز دارد که در ذیل آنها را ذکر می کنیم:

**رباعی مذیل؟** در این رباعی ردیف طولانی است و غالباً قوافی در ابتدا یا نزدیک به ابتدای

مصرعهای اول، دوم و چهارم می آید. مثال:

تا من بودی منت نمی دانستم      یا من بودی منت نمی دانستم

رفتم چو من از میان تو را دانستم      با من بودی منت نمی دانستم

فیض کاشانی

**رباعی مربع؟** آن است که هم افقی و هم عمودی خوانده شود به طوری که بر وزن و قافیه و

معنی خلل نیاید. مثال:

ممکن نه که هرگز چو تو یابد      عالم

---

<sup>۵</sup> - سیروس شمیس، سیر رباعی در شعر فارسی، (تهران: فردوس، ویرایش دوم، ۱۳۷۴)، صص ۳۹ - ۴۴

<sup>۶</sup> - امیرعلی مصدق، «رباعی و فنون آن»، روزنامه کیهان، ۴ خرداد ۷۸، ص ۶

<sup>۷</sup> - همان جا

هرگز چو تو کس ندید مرد به کرم  
یابد مردی دگر کس مثل تو کم  
عالم به کرم مثل تو کم یابد هم  
مدارج البلاغه - ۲۱۱

**رباعی ملمع!** ملمع آن است که فارسی و عربی را در نظم به هم آمیخته باشند: مثال:

یک نیم رخت "الست منک بیعید"  
یک نیم دگر "ان عذابی لشدید"  
برگرد رخت نوشته "یحیی و یمیت"  
"من مات من العشق فقد مات شهید"  
ابوسعید ابوالخیر

**رباعی موشح!** موشح آن باشد که در اول یا وسط یا آخر مصراع کلماتی آورند که چون آنها را

یک جا جمع کنند لقب یا نام کسی پیدا شود. مثال:

معشوقه دلم به تیر اندوه بخت  
حیران شدم و کسم نمی گیرد دست  
مسکین تن من ز پای محنت شد پست  
دست غم دوست پشت من خرد شکست  
رشید وطواط

که اگر حروف اول معشوقه، حیران، مسکین، دست را برگیریم یعنی "م، ح، م، د" نام منظور نظر

شاعر "محمد" به دست می آید.

<sup>۸</sup> - امیرعلی مصدق، «کندوکاوی در روش شناخت رباعی یا چارانه»، روزنامه جام جم، (۱۷ دی ۷۹)، ص ۸

<sup>۹</sup> - امیرعلی مصدق، «روش شناخت رباعی یا چارانه»، روزنامه کیهان، ۲۹ آذر ۷۹، ص ۶

**رباعی مضمن:** رباعی مضمن آن است که دارای تضمین باشد. مثلاً تضمین شعر شاعری یا آیه

ای از قرآن. مثال:

در حضرت او چو گفت باید "لبیک"      آنجا نه دگر سلام گنجد نه "علیک"

این وادی عشق است نگهدار ادب      این ارض مقدس است "فاخلع نعلیک"

داعی انجدانی قمی

**رباعی سؤال و جواب:** آن است که در آن صنعت سؤال و جواب به کار رفته باشد که با

"گفتم، گفتا" یا "گفتم، گفت" مشخص می شود. مثال:

گفتم: دل و جان بر سر کارت دارم      هر چیز که داشتم نثارت دارم

گفتا: تو که باشی کنی یاد مرا      کان من بودم که بی قرارت دارم

عطار - مختار نامه<sup>۳</sup> (۲۲۶)

**رباعی مستزاد:** مستزاد نیم مصرعی است که پس از هر مصرع آورده شود. رباعی مستزاد دو نوع

است یا مصاریع افزوده شده از نظر طرح قافیه عین خود رباعی هستند و مثلاً مصراع سوم آن ها قافیه

ندارد. مثال:

این مغبچگان به ما ملامت چه کنند      بی جرم و خطا

ما را بدر از کوی سلامت چه کنند      از راه جفا

---

<sup>۱</sup> - همان جا

<sup>۲</sup> - امیرعلی مصدق، «رباعی و فنون آن»، روزنامه کیهان، (۴ خرداد ۷۸)، ص ۶

<sup>۳</sup> - عطار، مختارنامه، [تصحیح]، محمدرضا شفیعی کدکنی، (تهران: سخن، ۱۳۷۵)، ص ۲۲۶

<sup>۴</sup> - سیروس شمیسا، سیر رباعی در شعر فارسی، (تهران: آشتیانی، ۱۳۶۳)، صص ۱۹۹ و ۲۰۰

امروز اگر کشند ما را به ستم      ور      پیش      برند  
فردا که بود روز قیامت چه کنند      مائیم      و      شما  
اهلی شیرازی

یا برای هر بیت رباعی فقط یک عبارت اضافی می آورند و آن دوپاره مزید با هم قافیه دارند. مثال:  
ای چشم سیاه تو بلای دل من      مشتاق تو شد دلم برای دل من  
برخیز و بیا

گر خواجه ترا روز رها می نکند      آخر شبکی بهر رضای دل من  
بگریز و بیا

ابن یمین

**رباعیات سه بیتی و چهار بیتی!** با اینکه اساس در رباعی بر دو بیت یعنی چهار مصرع است اما

در میان صوفیان نوعی رباعی با سه بیت یا چهار بیت دیده می شود که وزن رباعی دارد و از آنجا که صوفیان به رباعی دل بستگی خاصی دارند شاید بتوان آنها را نیز جزء رباعی به حساب آورد. مثال:

این کوی سلامت است و میدان هلاک      وین راه مقامران با زنده پاک  
مردی باید قلندر و دامن چاک      تا برگردد عیار وار و چالاک  
بل تا بدرند پوستینم همه پاک      از بهر تو ای یار عیار ناپاک  
در عشق یگانه باش از خلق چه باک      معشوق مرا و بر سر عالم خاک

احمد غزالی

---

<sup>۱</sup> - سیروس شمیسا، سیر رباعی در شعر فارسی، (تهران: فروس، ۱۳۷۴)، صص ۱۹۵ - ۱۹۷